

آئین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران
انجمن زرتشتیان تهران

1- خواستگاری

ماده 1- از هر دختر یا زن زرتشتی، که شرط لازم برای زناشویی را داشته‌باشد، می‌توان خواستگاری کرد.

ماده 2- رضایت طرفین در زمینه خواستگاری و نامزدی شرط کافی برای پیمان زناشویی نیست.

ماده 3- وکالت دادن برای اجرای مراسم نامزدی و زناشویی در صورتی لازم است که حضور شخص موکل امکان نداشته‌باشد.

2- نامزدی

ماده 4- نامزدی را در زمانی می‌توان اجرا کرد که دختر چهارده سال تمام و پسر شانزده سال تمام داشته‌باشد.

ماده 5 - پس از خواستگاری دختر یا زن و دریافت رضایت از او و والدینش می‌توان او را به نامزدی اختیار کرد.

ماده 6 - مراسم نامزدی عبارت است از دو حلقه که پسر و دختر به‌دست یکدیگر می‌کنند و هدایایی که خانواده آنها به هم می‌دهند.

ماده 7- جایگاه نامزدی به مانند زناشویی نیست که پسر و دختر آزادی کامل در امر زناشویی داشته‌باشند.

ماده 8 - پس از فسخ نامزدی هر يك از نامزدها، می‌توانند هدایایی را که خود یا والدین آنها به طرف دیگر داده، درخواست کنند و چنانچه هدایا موجود نباشد، قیمت زمان درخواست آنها دریافت خواهدشد.

ماده 9- در صورت فسخ نامزدی خساراتی که از جهت اعتماد در انجام زناشویی وارد آمده‌است، با تایید کارشناس، قابل دریافت است.

ماده 10- در موردی که قبل از اجرای مراسم زناشویی یکی از نامزدها از جهان درگذرد و از سوی نامزد دیگر و خانواده‌اش هدایایی که به عنوان نامزدی داده‌شده‌است می‌تواند درخواست

شود، در صورتی که هدایا موجود نباشد قیمت زمان خرید هدایا دریافت خواهد شد مگر اینکه آن هدایا در سنت و آیین‌ها استفاده شده باشند.

ماده 11- مدت گذشت زمان دعاوی ناشی از فسخ نامزدی از تاریخ وقوع فسخ دو سال است.

3- حقوق و تکالیف زناشویی و شرح دارایی‌ها

ماده 12- پیش از آنکه دختر به سن شانزده سالگی و پسر به سن هیجده سالگی برسد اجرای مراسم زناشویی جایز نیست.

ماده 13- پیش از پیوند زناشویی، گواهی پزشک برای سلامت عروس و داماد از بیماری‌های تنی و روانی، واگیردار و آمیزشی، عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشاوره ژنتیکی الزامی است.

ماده 14- اجرای مراسم زناشویی به روش دین مزدیسنی (زرتشتی) و با اجرای مراسم گواهی‌گیری (عقد) توسط موید و با حضور دست کم هفت نفر از اعضای خانواده و افراد زرتشتی که کمتر از بیست و پنج سال نداشته باشند انجام می‌یابد و با شنیدن پاسخ آری، و از روی خشنودی که عروس و داماد خواهندگفت، با ثبت در دفتر ازدواج زرتشتیان، پیوند زناشویی تکمیل خواهد شد.

ماده 15- اجرای مراسم زناشویی مادامی که دختر و پسر در سن کمتر از بیست و یک سالگی باشند علاوه بر خواست طرفین رضایت والدین پسر و دختر را نیز لازم دارد، در صورتی که یکی از والدین در گذشته باشد رضایت پدر و یا مادر زنده شرط خواهد بود و چنانچه از والدین هیچ یک زنده نباشند رضایت و اجازه جد و با نبودن آنها اجازه جده لازم است.

ماده 16- برای هر مرد زرتشتی بیش از یک زن و برای هر زن زرتشتی بیش از یک شوهر جایز نیست مگر در صورتی که همسر او در گذشته باشد یا جدایی برابر این آیین‌نامه روی داده باشد.

ماده 17- پس از آیین گواهی‌گیری و پیوند زناشویی، روابط پس از ازدواج و حقوق و تکالیف زن و شوهر در برابر یکدیگر برقرار می‌گردد.

ماده 18- برای احترام به زندگی مشترک و اینکه عروس و داماد پس از مراسم زناشویی، در همه بخش‌های زندگی با یکدیگر شریک و همراه باشند، از این رو پس از تاریخ ثبت ازدواج ملزم به رعایت تبصره‌های زیر می‌باشند.

تبصره یک: دارایی که پسر یا دختر پیش از ازدواج خود داشته‌اند، متعلق به خودشان می‌باشد.

تبصره دو: دارایی که شوهر یا زن به صورت هدیه، جایزه، بخشش، ارث، وصیت و صلح به دست آورده‌اند جزو دارایی شخصی آنها به شمار می‌رود.

تبصره سه: هرگونه بدهی که پیش از ازدواج هر یک از شوهر و زن داشته‌باشند، مربوط به خود آنها است و در صورت توافق کتبی طرفین از دارایی مشترک پرداخت خواهدشد.

تبصره چهار: دارایی که شوهر و زن پس از ازدواج به تنهایی یا هر دو با کار و سرمایه‌گذاری به دست می‌آورند جزو اموال مشترک آنان خواهدبود.

ماده 19- سرپرستی خانواده در طول زندگی با شوهر بوده ولی پس از درگذشت و یا محجور و ممنوع یا غایب مفقودالاثراثر شدنش با زن وی است.

4- موارد و موانع زناشویی

ماده 20- زناشویی در میان خویشاوندان به شرح زیر ممنوع است:

الف: با پدر و اجداد و با مادر و جدات خود و همسر هر قدر بالا رود.

ب: با اولاد خود و همسر هر قدر پایین رود.

پ: با برادر و خواهر و اولاد آنان هر قدر پایین رود.

ت: با عموها و عمه‌ها، خالوها و خاله‌ها.

ث: فرزند خوانده با پدر و مادر خوانده و برادر و خواهر خوانده و اولاد خوانده خود و همسر هر قدر پایین رود.

5- مهریه

ماده 21- در آیین زرتشتی طلاق اختیاری نیست بنابراین در اجرای مراسم زناشویی مهریه تعیین و قید نمی‌شود.

6- موارد امکان فسخ زناشویی یا طلاق

ماده 22- هرگاه به هنگام اجرای مراسم زناشویی زن و یا شوهر دیوانه بوده یا اختلال حواس داشته در صورتی که همسر و خانواده‌اش از جنون و اختلال حواس او آگاه نبوده‌است بر طبق تقاضای طرف دیگر ازدواج قابل فسخ است ولی چنانچه پس از زناشویی و آمیزش، زن جنون و یا بیماری درمان‌ناپذیری پیدا کند که توانایی انجام وظایف زناشویی را نداشته، مدت دو سال به

طول انجامد و پزشکان قادر به درمان او نباشند شوهر به استناد گواهینامه پزشك قانونی و به شرط نگهداری و پرداخت هزینه زندگی زن خود مجاز به اختیار يك همسر دیگر خواهد بود و در صورت درگذشت شوهر، هر يك از دو همسر به شرح این آیین‌نامه در بخش ارث، به طور مساوی، از تمام دارایی شوهر، بهره‌مند خواهند شد.

تبصره - جنون (هر يك از زوجین) اگر بعد از مراسم ازدواج، حادث گردد و مدت دو سال، به طول انجامد و پزشکان قادر به درمانش نباشند، به استناد گواهی پزشك قانونی، از دلایل درخواست طلاق از جانب طرف دیگر خواهد بود.

ماده 23- هرگاه پس از ازدواج مشخص شود که شوهر یا زن یا هر دو توانایی بچه‌دار شدن نداشته و با چاره جویی مدت حداقل سه سال درمان نشود و پزشك قانونی گواهی دهد که هر کدام درمان‌پذیر نیستند، زن یا شوهری که درمان‌پذیر است، می‌تواند درخواست طلاق کند و چنانچه زن توانایی بچه‌دار شدن نداشته باشد، شوهر با اخذ رضایت زن خود می‌تواند همسر دیگری اختیار کند.

ماده 24- ابتلاء زن و یا شوهر، به هرگونه مواد مخدر یا گواهی پزشك قانونی، که به اساس زندگی خانوادگی آسیب وارد کند و ادامه زندگی برای طرف دیگر دشوار باشد، از دلایل طلاق برای همسر او می‌باشد.

ماده 25- در صورتی که شوهری به شرط تمکین زن در مدت دو سال مخارج زندگی را به زن خود نپردازد، در پی درخواست زن، طلاق مجاز است.

ماده 26- چنانچه اثبات شود که زن مرتکب زناشده شوهر می‌تواند او را طلاق دهد و همچنین اگر ثابت شود با زن دیگر زنا کرده زن او می‌تواند درخواست طلاق نماید.

ماده 27- هرگاه ثابت شود که شوهر نسبت به زن خود به گونه‌ی ستم و بی‌رحمی روا داشته که خطر جانی، مالی و شرافتی داشته و ادامه زندگی آنان پس از اندرزه‌های بزرگترها و رسیدگی شورای حل اختلاف انجمن زرتشتیان محل سکونت میسر نباشد زن می‌تواند تقاضای طلاق کند و از شوهر خود جدا شود.

تبصره يك: در موردی که زن به کیفیت مذکور در ماده یادشده حداکثر دو سال جدایی اختیار کرده و در منزل دیگری اقامت کند شوهر وظیفه‌دار نسبت به درآمد خود و در خور شخصیت و احتیاج واقعی زن، مخارج او را در منزل جداگانه پرداخت کند.

تبصره دو: هنگامی که زن به کیفیت مذکور در ماده یادشده بخواهد تقاضای طلاق کند تا تکلیف او با رأی دادگاه تعیین نشده است با نظر دادگاه می‌تواند در زمانی که پرونده او در دادگاه مطرح است منزل جداگانه اختیار کند و مخارج زندگی خود را به شرح ماده 27 تقاضا و اخذ کند.

تبصره سه: در مورد جدایی موقت زن به شرح ماده 27 و تبصره يك و دو باید مسکن او به رضایت طرفین اختیار شود و در صورت عدم توافق، تعیین آن با شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت و یا دادگاه خواهد بود.

ماده 28- اگر زنی نافرمان باشد و رفتار او، بیم خطر جانی، مالی و شرافتی برای شوهر داشته باشد که نتوان با اندرز یا رسیدگی شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت این پدیده را برطرف کرد بر حسب درخواست شوهر طلاق پذیرفته می شود.

ماده 29- در صورت نبودن توافق اخلاقی بین زن و شوهر، که زندگی آنها، غیرممکن و غیرقابل تحمل باشد و بر حسب درخواست طرفین، با نظر شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت آنان با تقاضای طلاق موافقت می شود.

ماده 30- اگر مردی زرتشتی، زن غیرزرتشتی داشته یا پس از ازدواج با زن زرتشتی، زن غیرزرتشتی انتخاب کند و حقیقت را پنهان کرده باشد، همسر زرتشتی او بعد از اطلاع می تواند تقاضای طلاق کند، شوهر مکلف است يك دوم از کل دارایی خود را به همسر زرتشتی پرداخت و انتقال دهد. در صورت عدم آگاهی و عدم طلاق در طول زندگی زناشویی، پس از درگذشت شوهر نیز يك دوم از کل دارایی شوهر متوفی به همسر زرتشتی انتقال داده خواهد شد.

ماده 31- هنگامی که زن یا شوهر از دین زرتشتی به آیین دیگری روی آورد موجبات طلاق بین آنها واقع شده و در این مورد طرفی که تَرک دین کرده وظیفه دارد در صورت طلاق يك دوم از کل دارایی خود را به طرف دیگر که در دین زرتشتی باقیمانده است پرداخت و انتقال دهد و در این صورت سرپرستی و تربیت فرزندان نیز به هزینه مرد به عهده طرفی است که در کیش زرتشتی باقی مانده است.

ماده 32- هرگاه شوهر پنج سال پی در پی غیبت کند و خبری از زنده بودن او نرسد، به منزله غایب مفقودالثر تلقی می شود و زن او می تواند درخواست طلاق کند.

ماده 33- هرگاه یکی از طرفین به موجب رأی قطعی دادگاه به پنج سال حبس محکوم و حکم مجازات در حال اجرا باشد، طرف دیگر می تواند، تقاضای طلاق کند.

ماده 34- هرگاه زن و شوهری به مدت 5 سال پی در پی از یکدیگر جدا زندگی کنند، به درخواست هر يك از طرفین می توانند تقاضای طلاق کنند.

ماده 35- در موقع طلاق هرگونه کالا و هدایایی که از طرفین تا آن زمان به طرف دیگر داده شده است متعلق به طرفی است که به او هدیه شده است.

ماده 36- طرفی که مقصر در مواد 24 و 25 و 26 و 27 و 28 و 30 و 31 و 33 شناخته شود از نصف دارایی به موجب تبصره 4 ماده 18 محروم خواهد شد و فقط اثاثیه، اموال و بقیه دارایی شخصی خود را دریافت می کند.

ماده 37- پس از صدور حکم طلاق از دادگاه، و پرداخت حقوق طرفین برابر آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان، رویداد طلاق، (برابر مقررات ثبت احوال کل کشور)، در دفتر خانه ویژه زرتشتیان ثبت خواهد شد.

7- در مورد فرزندان و نگهداری آنها

ماده 38- نگهداری فرزند، از حیث معاش و تربیت بر عهده والدین است و در صورت درگذشت یکی از والدین بر عهده آن دیگری که زنده است، خواهد بود.

ماده 39- در طول محاکمه بین زن و شوهر، در مورد طلاق، نسبت به نگهداری فرزند کمتر از 18 سال و یا در رحم، دادگاه ترتیبی عادلانه مقرر خواهد کرد و نیز در زمان صدور حکم طلاق، نسبت به نگهداری فرزند یا فرزندان کمتر از 18 سال تمام، دادگاه، با توجه به نظر شورای حل اختلاف زرتشتیان محل سکونت در مورد صلاحیت هر يك از والدین تصمیم منطقی اتخاذ خواهد کرد.

ماده 40- به هنگام فوت پدر، در صورتی که فرزندی زیر 18 سال داشته باشد، مادامی که مادر زنده است و شوهر دیگری اختیار نکرده، نگهداری و پرورش فرزند به عهده اوست در غیراین صورت جد پدری و چنانچه نباشد جد مادری و اگر از اجداد هیچ کدام نباشد با نظر شورای حل اختلاف زرتشتیان محل و رعایت مصلحت فرزند صغیر، دادگاه قیم را تعیین خواهد کرد.

ماده 41- در مورد درگذشت فرزند خانواده در صورتی که از خود به اندازه کافی دارایی کافی نگذاشته باشد چنانچه پدر زنده باشد نگهداری نوه بر عهده نامبرده خواهد بود و همچنین نسبت به همسر وی مادام که همسر اختیار نکرده است هرگاه پدر درگذشته باشد و سهم‌الارث فرزند درگذشته به اندازه‌ای نباشد که معاش و پرورش فرزند درگذشته و نگهداری همسر او کند با رعایت شرح فوق بر عهده مادر و چنانچه مادر او بی‌سرمایه یا درگذشته باشد بر عهده جد پدری است و در صورت درگذشت یا ناداری (عدم توانایی مالی) جد پدری بر عهده اولاد جد پدری است و نسبت به نگهداری همسر شخص درگذشته نیز اینچنین خواهد بود.

8- ولایت قهری و قیمومت

ماده 42- فرزندان کمتر از 18 سال، تحت ولایت قهری پدر و در صورت فوت و یا محجور و ممنوع یا غایب مفقودالارث شدن او تحت ولایت قهری مادر است (در صورتی که پس از درگذشت پدر، همسرش ازدواج نکرده باشد و یا محجور و ممنوع نشده باشد) و در صورت درگذشت هر دو یا

درگذشت پدر و ازدواج بعدی مادر تحت ولایت قهری جد پدری خود می‌باشد در صورت نبودن ولی، قیم زرتشتی با نظر انجمن زرتشتیان محل سکونت صغار تعیین می‌شود و همچنین است نسبت به فرزند غیر رشید یا سفیه یا دیوانه.

ماده 43- هر يك از پدر، مادر و اجداد به هنگام ولایت خود برای فرزند کمتر از 18 سال که تحت ولایت اوست می‌توانند نماینده‌ای رسمی تعیین کند تا پس از درگذشت او چنانچه ولی قهری موجود نباشد وصی شود.

9- فرزند خواندگی و پُل‌گذاری

ماده 44- تعیین فرزند خوانده که جایگزین فرزند حقیقی خواهدشد با رعایت مقررات زیر است:

الف - در موردی که زن و شوهری بی فرزند باشند می‌توانند با موافقت یکدیگر، از جامعه زرتشتی کسی را به عنوان فرزند خود برگزینند.

ب - هر مرد و زن زرتشتی که بالای 40 سال داشته باشد، می‌تواند از جامعه زرتشتی کسی را با موافقت انجمن زرتشتیان محل سکونت به عنوان فرزند خود برگزیند.

پ - هر کس فرزند خوانده اختیار کند آن فرزند خوانده وارث شخصی اوست و چنانچه ازدواج دیگری داشته باشد و فرزندی از او بوجود آید، فرزند خوانده نیز در ردیف یکی از فرزندان او خواهدبود و در حقوق و مقررات مانند يك فرزند حقیقی محسوب خواهدشد.

ت - پس از تعیین فرزند خوانده باید مراتب در دفتر انجمن زرتشتیان محل ثبت و به امضاء پدر خوانده و یا مادر خوانده و چهار تن گواه برسد و دفتر انجمن محل نیز باید گواهی‌نامه مبنی بر هویت و شناسایی فرزند خوانده صادر و به فرزند خوانده داده‌شود و مراتب باید در شناسنامه کسی که فرزند خوانده برگزیده‌است ثبت شود.

ماده 45- در قسمت بند ب از ماده 44 به هنگامی که زن بیوه یا شوهر بیوه، کسی را به فرزندی خود اختیار کند آن فرزند خوانده فقط وارث همان زن یا شوهر خواهدبود که او را به فرزندی خوانده است مگر در موردی که وارث زن یا شوهر که او را به فرزندی نخواهد نیز موافقت کند که همان شخص معین فرزند خوانده زن و شوهر هر دو به شمار می‌آید.

ماده 46- در موردی که فردی، بی‌فرزند از جهان درگذرد و فرزند خوانده هم نداشته‌باشد و وصیتی هم نکرده‌باشد، نزدیک‌ترین ورثه (ورثه قانونی) می‌تواند در صبح روز چهارم پس از مرگ، با حضور موبد و حضار، شخصی حقیقی را به سمت پُل‌گذاری شخص درگذشته معین کند و در این صورت، پُل‌گذاری، سیمت فرزند حقیقی را خواهدداشت.

تبصره - صبح چهارم هنگام تعیین پل‌گذار باید گواهی نامه در سه نسخه تنظیم و به امضای ورثه، موید و چهارتن گواه و سپس به گواهی انجمن زرتشتیان محل سکونت رسانیده و با ثبت در دفتر انجمن يك نسخه از آن به پُل‌گذار تسلیم گردد.

ماده 47- در تعیین پُل‌گذار، بستگان نزدیک در گذشته، حق تقدم دارند و چنانچه در گذشته بستگانی نداشته‌باشد، از میان سایر زرتشتیان، شخصی را انتخاب می‌کنند.

10- تقسیم ارث

ماده 48- از دارایی بازمانده از درگذشته موارد زیر از وصیت ارث جدا می‌گردد.

- 1 - مخارج خاکسپاری
- 2 - مبلغی که برای اجرای مراسم دینی برای شخص درگذشته لازم است و یا برای درگذشتگانی که بر عهده درگذشته فعلی است.
- 3 - قروض مسلم درگذشته.
- 4 - مبلغی که برای صرف امور خیریه اختصاص داده‌باشد.

بقیه به عنوان دارایی خالص او محسوب و در اختیار ورثه قرار می‌گیرد.

ماده 49- در هنگامی که شخصی زرتشتی (اعم از زن و مرد) بدون وصیت‌نامه بمیرد، و از او پدر و مادر و همسر و فرزندی بازمانده باشد، دارایی او به این نحو تقسیم خواهد شد:

نخست از کل دارایی خالص او با رعایت ماده 48، به هر يك از پدر و مادر، در صورتی که هر دو زنده باشند، يك‌دهم در غیر این صورت يك هشتم، سهم آنکه زنده است، داده می‌شود و نسبت به بقیه دارایی، سهم هر يك از ورثه، اعم از همسر و هر يك از فرزندان پسر و دختر مساوی خواهد بود.

تبصره 1- اگر در میان فرزندان متوفی فردی درمان‌ناپذیر شامل محجور، سفیه، مجنون یا معلول ناتوان وجود داشته‌باشد به اندازه دو برابر سهم‌الارث به او تعلق می‌گیرد.

تبصره 2- برای نگهداری و تأمین مخارج پدر و مادر یا اجداد، هر يك از ورثه به طور مساوی موظف به پرداخت مخارج آنها می‌باشند.

ماده 50 - هنگامی که بر اثر حوادث، زن و شوهری با هم بمیرند، هیچکدام از یکدیگر ارث نمی‌برند، وراث هر يك از زن و شوهر به طور جداگانه از دارایی آنان ارث می‌برند.

ماده 51 - هرگاه شخصی بدون تنظیم وصیت‌نامه، بدون همسر و فرزند، از جهان درگذرد، دارایی خالص او با رعایت ماده 49 بین پدر و مادر به طور مساوی تقسیم خواهد شد و در صورت

زنده بودن یکی از آنها کلیه دارایی خالص به او می‌رسد و در صورت عدم تعیین پُل‌گذار و نبودن وراث طبقات اول به طبقات بعدی می‌رسد.

ماده 52 - اگر فرزندی قبل از پدر و مادر فوت شده باشد پس از درگذشت پدر و مادر در موقع تقسیم ارث در صورتی که از آن فرزند درگذشته همسر و فرزندی باقی مانده باشد سهم فرزندی او به همسر و فرزندان وی تعلق خواهد گرفت و در صورت نداشتن فرزند، مطابق ماده 53 ارث می‌برد.

ماده 53 - در موقع مرگ زن یا شوهر که همسری از او باقی باشد بدون آن که فرزندی از خود او مانده باشد، نصف دارایی او بدون وصیت نصیب همسری است که زنده باشد و نصف دیگر به پدر و مادر شخص درگذشته خواهد رسید و اگر هیچ يك زنده نباشند کلیه دارایی خالص به همسر او تعلق خواهد گرفت.

ماده 54 - اگر در موقع فوت شوهری زن او آبستن باشد تقسیم ارث موقوف به بعد از وضع حمل خواهد بود و چنانچه بخواهند دارایی را تقسیم کنند باید برای حمل، بهره مساوی به اندازه سهم دو فرزند کنار گذارند.

ماده 55 - هرگاه زن یا شوهر یا هر دو ازدواج دیگری نیز فرزندی داشته باشند فرزند هر يك از آنها از نامادری و ناپدری خود ارث نمی‌برند.

ماده 56 - کسی که به مناسبت فرزند خواندگی حق ارث بردن از پدر و مادری که او را به فرزندی خوانده‌اند پیدا کرده است این حق مانع از ارث بردن او از والدین و خویشاوندان حقیقی خود نخواهد بود.

ماده 57 - وقتی که وراث درگذشته، منحصر به چند برادر و خواهر باشد، نسبت ارث هر يك از برادران و خواهران، به طور مساوی خواهد بود.

ماده 58 - چنانچه فرزندخوانده قبل از فوت پدر خوانده یا مادر خوانده و یا پدر و مادر حقیقی او بمیرد که از او زن و فرزندی باقی نباشد نصف از دارایی او متعلق به پدر و مادر حقیقی و نصف دیگر به پدر و مادر خوانده و یا هر يك از آنها که سیمت فرزند خواندگی او را داشته است تعلق خواهد گرفت و اگر همسر و فرزندی از او باقی باشد، هر يك از پدر و مادر خوانده، و حقیقی يك دهم، اگر هر دو زنده باشند در غیر این صورت يك هشتم سهم هر يك که زنده باشد، خواهد بود و بقیه بین همسر و فرزندان، به طور مساوی تقسیم خواهد شد.

ماده 59 - در صورتی که فرزند خوانده‌ای پس از فوت پدر و مادر خوانده از جهان درگذرد و از او زن و فرزندی باقی نباشد دارایی او بین پدر و مادر حقیقی یا وراث آنها تقسیم خواهد شد.

ماده 60 - قتل از موانع ارث است، بنابراین کسی که مورث خود را از روی عمد بکشد، از ارث او محروم می‌شود.

ماده 61 - اگر در میان وراث، غایب مفقودالاثری باشد سهم او به مدت 5 سال کنار گذارده می‌شود تا حال او معلوم گردد.

ماده 62 - چنانچه یکی از ورثه مذکور در این آیین‌نامه تا هنگام فوت مورث زرتشتی خویش و یا پس از آن از دین زرتشتی خارج شود، ارث به او تعلق نمی‌گیرد.

11- وصیت

ماده 63 - هر زرتشتی می‌تواند به موجب وصیت، اموال خود را میان ورثه و یا اشخاص دیگر تقسیم کند و یا برای امور خیریه دیگری که بخواهد پس از مرگ خود وصیت کند. تخلف از وصیت جایز نیست.

ماده 64 - در صورتی که موصی بعد از وصیت فرزندان دیگری پیدا کند یا پس از درگذشت او حاملی ظاهر شود و مسلم نباشد که موصی قصد محروم کردن فرزندان بعدی یا حمل را از ارث داشته به هر يك از آنها به قدر سهمی که با فرض نبودن وصیت، از تمام دارایی بهره‌ور می‌شده سهم می‌گردند.

ماده 65 - شخص زرتشتی نمی‌تواند وصی غیرزرتشتی برای بازماندگان خویش تعیین کند.
ماده 66 - در صورت نبودن وصیت و ورثه‌ای از طبقات اول و دوم، کلیه دارایی‌های خالص در گذشته با رعایت ماده 49، بطور مساوی متعلق به طبقه سوم یعنی پدر بزرگ و مادر بزرگ اعم از پدری یا مادری (هر يك زنده هستند) خواهد بود. و در صورت زنده نبودن هیچ يك از آنها، تمام دارایی مابین طبقه چهارم، به طور مساوی تقسیم خواهد شد.

ماده 67 - در صورتی که شخصی زرتشتی بدون تنظیم وصیت‌نامه بمیرد و وارثی نیز نداشته‌باشد و در صبح چهارم، نیز پُل‌گذاری تعیین نگردد، تمام دارایی درگذشته به انجمن زرتشتیان محل سکونت واگذار می‌شود، تا صرف امور مراسم دینی به نام درگذشته و امور خیریه زرتشتیان گردد.

ماده 68 - در صورتی که انجمن زرتشتیانی در محل سکونت نباشد، در تمام مواردی که در این آیین‌نامه آمده‌است انجمن زرتشتیان تهران صالح خواهد بود.

12- ترتیب طبقات ارث

ماده 69 - در طبقات وراث طبقه اول مقدم بر طبقه دوم و دوم مقدم بر سوم است و به همین نحو طبقات بعدی بشرح زیر:

طبقه اول - زن یا شوهر، فرزندان، پدر و مادر و فرزندزاده درمواردی که برابر این آیین‌نامه قائم مقام فرزندان درگذشته واقع می‌شوند.

طبقه دوم - برادر و خواهر درگذشته و فرزندان آنها هرقدر پایین برود.

طبقه سوم - جد و جده.

طبقه چهارم - عموها و عمه‌ها و خالوها و خاله‌ها و فرزندان آنها.

تبصره - با بودن هر يك از وراث درجات اول در طبقه دوم و چهارم، درجات بعدی از ارث محروم می‌گردند.